

مقایسه‌ی وضعیت روانی دانشجویان فردگرا و جمع‌گرای دانشگاه فردوسی مشهد

فاطمه میردورقی^۱، محمد فتحی^۲، جواد صالحی فردری^۳

^۱ دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

^۲ گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

نشانی نویسنده مسئول: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه روانشناسی، فاطمه میردورقی

E-mail: Fatemeh.Mirdoraghi@gmail.com

وصول: ۹۳/۱/۲۳، اصلاح: ۹۳/۳/۱۷، پذیرش: ۹۳/۳/۲۰

چکیده

زمینه و هدف: بر اساس مفهوم "تناسب شخص- محیط"، اگرچه داشتن شخصیتی هماهنگ با ارزش‌های فرهنگ حاکم، بهزیستی ذهنی را افزایش خواهد داد، اما عدم هماهنگی باعث کاهش بهزیستی خواهد شد. بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف مقایسه‌ی وضعیت روانی دانشجویان فردگرا و جمع‌گرا در فرهنگ ایران صورت پذیرفت.

مواد و روش‌ها: روش این پژوهش، توصیفی و از نوع مقایسه‌ای بود. از بین تمامی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه فردوسی مشهد که در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ در دانشکده‌های واقع در پردیس این دانشگاه مشغول به تحصیل بودند، نمونه‌ای ۱۵۰ نفری با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای و براساس دانشکده انتخاب گردید و با استفاده از پرسش‌نامه‌های فردگرایی- جمع‌گرایی اوکلند و پرسش‌نامه‌ی SCL-90 مورد ارزیابی قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج تحلیل واریانس چند متغیری نشان داد که دو گروه از لحاظ عملکرد کلی‌شان در پرسش‌نامه‌ی SCL-90، تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. همچنین نتایج آزمون‌های اثرات بین آزمودنی‌ها نشان داد که در خرده مقیاس حساسیت در روابط متقابل، پرخاشگری و افکار پارانوییدی دو گروه تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. به‌گونه‌ای که دانشجویان فردگرا به‌طور معناداری، نمرات بالاتری در این سه خرده مقیاس داشتند.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه دیدگاه "تناسب شخص- محیط" تریاندیس را تأیید می‌نماید. در فرهنگ ایرانی که به‌عنوان یکی از فرهنگ‌های جمع‌گرا شناخته می‌شود، دانشجویان فردگرا مشکلات روان‌شناختی بیشتری داشتند، در حالی که دانشجویان جمع‌گرا وضعیت روانی بهتری داشتند.

واژه‌های کلیدی: وضعیت روانی، فردگرایی- جمع‌گرایی

مقدمه

شدیداً تحت تأثیر فرهنگی است که در آن رشد می‌یابد. اما

علاوه بر رفتارها و هیجانات معمول، فرهنگ در نحوه

رفتار انسان (۱) و پاسخ‌های هیجانی وی (۲)

بروز اختلالات روانی نیز اثرگذار است. به طوری که در فرهنگ‌های مختلف، تفاوت‌های بسیاری در این زمینه وجود دارد (۳، ۴). حتی برخی اعتقاد دارند که فرهنگ درهمه‌ی ابعاد تحقیقات آسیب‌شناسی روانی اهمیت دارد (۵).

هافشند (۶)، فرهنگ را به‌عنوان برنامه‌ریزی جمعی ذهن تعریف کرده که اعضای یک گروه یا یک طبقه از افراد را از دیگری تفکیک می‌کند. وی فردگرایی در برابر جمع‌گرایی را یکی از پنج بعد عمده‌ی فرهنگ در نظر گرفت (۷). امروزه، فردگرایی و جمع‌گرایی به‌عنوان یکی از شناخته‌شده‌ترین الگوهای فرهنگی مورد پذیرش (۸) و از جمله محورهای عمده‌ی تعیین‌کننده فرهنگ هر جامعه است (۱۰) که بر اساس آن، جوامع به دو دسته - ی جمع‌گرا و فردگرا تقسیم می‌شوند. تحقیقات تجربی نشان داده‌اند که جوامع جمع‌گرا و فردگرا، اثرات متفاوتی بر مفهوم خود افراد، روابط بین فردی و تحول شناختی و هیجانی آن‌ها دارد (۱۱، ۱۲). همچنین فردگرایی و جمع‌گرایی، چارچوب مناسبی برای بررسی تعامل بین فرهنگ و سلامت روان است (۱۰، ۱۳، ۱۴). در این خصوص، تریاندیس (۱۵) مفهوم "تناسب فرد- محیط" (person-environment fit) را مطرح کرده‌است. براساس این دیدگاه، داشتن شخصیتی که با ارزش‌های فرهنگ حاکم هماهنگ باشد، بهزیستی ذهنی را افزایش خواهد داد و در مقابل، عدم هماهنگی باعث کاهش بهزیستی خواهد شد. واش (۱۶) به بررسی مطالعات انجام‌شده در زمینه‌ی تناسب فرد و فرهنگ پرداخته و بر همین اساس، بیان می‌دارد: افرادی که ویژگی‌های شخصیتی‌شان با یک بافت فرهنگی تناسب خوبی داشته باشد به نسبت افرادی که ویژگی‌هایشان در تناقض با تقاضاهای آن فرهنگ باشد احتمالاً سازگاری بهتری نشان می‌دهند. همچنین، وارد و چانگ (۱۷) برای فهم سازگاری دانشجویان غیر بومی در یک محیط فرهنگی خاص، یک دیدگاه "تناسب فرهنگی" اتخاذ کردند. با توجه به فرضیه‌ی تناسب بین فرد و محیط

(۱۵)، می‌توان گفت که فرهنگ و خصوصیات فردی، هیچ‌یک به تنهایی در تعیین سلامت روان یا آسیب‌شناسی روانی افراد یک جامعه دخیل نیستند، بل که تناسب یا عدم تناسب این دو عامل به ترتیب تعیین‌کننده‌ی سلامت یا آسیب‌شناسی روانی افراد آن جامعه است. بنابراین، افراد جمع‌گرا در جوامع جمع‌گرا و افراد فردگرا در جوامع فردگرا، از سلامت روانی بهتری برخوردارند و برعکس، افراد جمع‌گرا در جوامع فردگرا و افراد فردگرا در جوامع جمع‌گرا، سلامت روانی پایین‌تری خواهند داشت.

همان‌طور که تحقیقات هافشند (۱۸) نشان داده برخی از کشورها دارای فرهنگ فردگرا و برخی دیگر دارای فرهنگ جمع‌گرا هستند. مثلاً کشورهای صنعتی ایالات متحده، انگلستان و استرالیا به‌عنوان فرهنگ‌های فردگرا و کشورهای در حال توسعه مثل آفریقا، چین و نواحی خاورمیانه به‌عنوان فرهنگ‌های جمع‌گرا در نظر گرفته می‌شوند (۱۹). زندگی اجتماعی ایرانیان نیز بیشتر بر اساس فرض‌های جمع‌گرایانه سازمان‌یافته‌است (۲۰). البته باید توجه داشت در درون هر فرهنگ چه شرقی و چه غربی، افرادی از هر دو گروه فردگرا و جمع‌گرا وجود دارند (۲۱). بنابراین، هر چند ایران جزء کشورهای آسیایی دارای فرهنگ جمع‌گرا است (۲۲)، اما انتظار می‌رود در آن علاوه بر افراد جمع‌گرا، افراد فردگرا نیز وجود داشته باشد. چرا که شواهد نشان می‌دهد در ایران بین طبقات مختلف به‌ویژه بین طبقه‌ی تحصیل‌کرده و سایر گروه‌ها (۲۳) تفاوت‌های فرهنگی- اجتماعی زیادی وجود دارد که این مسأله با توجه به تأثیر فرهنگ غرب و جوامع صنعتی بر جوامع در حال توسعه، امری منطقی به نظر می‌رسد. بررسی ادبیات پژوهش در داخل و خارج کشور، نشان‌داد مطالعات موجود از نوع بین فرهنگی بوده و در آن به مقایسه‌ی وضعیت روان‌شناختی جوامع فردگرا و جمع‌گرا پرداخته شده‌است. گفتنی است مطالعه‌ی درون فرهنگی که به مقایسه‌ی افراد فردگرا و جمع‌گرا در یک فرهنگ خاص پرداخته باشد، وجود ندارد. به همین علت،

در این پژوهش، درصدد مقایسه‌ی وضعیت روانی دانشجویان فردگرا و جمع‌گرا می‌باشیم تا مشخص‌گردد که آیا در فرهنگ ایران با توجه به بعد جمع‌گرایی مسلط، دانشجویان جمع‌گرا دارای وضعیت روانی مطلوب‌تر و دانشجویان فردگرا دارای وضعیت روانی نامطلوب‌تری هستند؟

مواد و روش‌ها

روش این پژوهش، توصیفی و از نوع مقایسه‌ای است. جامعه‌ی آماری این پژوهش تمامی دانشجویان دوره‌ی کارشناسی دانشگاه فردوسی مشهد هستند که در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ در دانشکده‌های مختلف واقع در پردیس این دانشگاه مشغول به تحصیل می‌باشند. تعداد کل این دانشجویان بر حسب اعلام اداره‌ی آموزش برابر با ۱۱۳۸۵ نفر گزارش‌گردید. براساس فرمول کوکران، تعداد ۱۵۰ دانشجو از گروه‌های مختلف، به‌شیوه‌ی سهمیه‌ای و براساس دانشکده انتخاب شدند. دلیل انتخاب این روش نمونه‌گیری و در نظر گرفتن نسبت دانشجویان دانشکده‌های مختلف، بدان جهت است که در گروه نمونه از هر طبقه نماینده‌ای وجود داشته‌باشد. سپس، آزمودنی‌ها با استفاده از مقیاس فردگرایی - جمع‌گرایی اوکلند (Auckland Individualism and Collectivism Scale) و پرسش‌نامه‌ی چک لیست نشانه‌های اختلالات روانی (Checklist 90 Symptoms) مورد ارزیابی قرار گرفتند.

مقیاس فردگرایی - جمع‌گرایی (AICS)، توسط شولروفو همکاران در سال ۲۰۱۱ (۲۴) به‌منظور سنجش همه‌جانبه‌ی ابعاد فردگرایی و جمع‌گرایی ساخته‌شد. این مقیاس، دارای ۲۶ سوال می‌باشد که پاسخ‌دهی به آن براساس طیف لیکرت ۶ درجه‌ای از هرگز (۱) تا همیشه (۶) می‌باشد. این مقیاس، ۵ خرده‌مقیاس دارد که ۲ خرده‌مقیاس نصیحت‌پذیری از دیگران و هماهنگی با دیگران و خانواده مربوط به جمع‌گرایی و ۳ خرده‌مقیاس رقابت‌جویی، نیاز به‌منحصر به فرد بودن و سبک زندگی

مسئولیت‌پذیر مربوط به فردگرایی است. نمرات هر خرده‌مقیاس، از جمع نمرات سوالات تشکیل‌دهنده آن به‌دست می‌آید. همچنین نمره‌ی جمع‌گرایی از جمع نمرات ۲ خرده‌مقیاس مربوط به آن و نمره فردگرایی از جمع سه خرده‌مقیاس مربوط به آن به‌دست می‌آید. سپس، هر فرد براساس اینکه در کدام بعد، نمره بالاتری کسب کرده، در یکی از دو گروه فردگرا یا جمع‌گرا قرار می‌گیرد. در پژوهش شکیبا و همکاران (۲۴)، ضرایب همسانی درونی به‌دست‌آمده برای ۵ خرده‌مقیاس این پرسش‌نامه بین ۰/۷۱ تا ۰/۸۳ گزارش‌شده‌است.

در سال ۱۹۷۳، پرسش‌نامه‌ی SCL-90، به‌عنوان یک ابزار خودگزارشی برای ارزیابی علائم روان‌پزشکی توسط دراگوئیس و همکاران تهیه‌گردید و پس از چندی مورد تجدیدنظر قرار گرفته و نسخه‌ی نهایی آن تدوین شد (۲۵). این پرسش‌نامه، دارای ۹۰ سوال می‌باشد که علائم نه‌گانه شایع روان‌پزشکی شامل شکایات جسمانی، وسواس و اجبار، حساسیت در روابط متقابل، افسردگی، اضطراب، پرخاشگری، ترس مرضی، افکار پارانوییدی و روان‌پریشی را می‌سنجد. پاسخ‌دهی به سوالات این پرسش‌نامه، بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از هیچ (۰) تا به شدت (۴) می‌باشد. در نتیجه، دامنه‌ی نمرات این پرسش‌نامه بین ۰ تا ۳۶۰ می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسش‌نامه، بین ۰/۷ تا ۰/۹؛ و همچنین پایایی بازآزمایی آن در دامنه‌ای از همبستگی ۰/۶۸ تا ۰/۸۰ گزارش‌شده‌است (۲۵). همچنین اعتبار بازآزمایی فرم فارسی این پرسش‌نامه نیز، در دامنه‌ای از همبستگی ۰/۷۸ تا ۰/۹۰ گزارش‌شده‌است (۲۶).

فرایند اجراء در این پژوهش به شرح ذیل بود: پژوهشگر جهت توزیع پرسش‌نامه‌ها و گردآوری داده‌ها با در نظر گرفتن نسبت دانشجویان مقطع کارشناسی هر دانشکده در جامعه‌ی کل دانشجویان کارشناسی دانشگاه فردوسی مشهد، در دانشکده‌ها حضور یافت و پرسش‌نامه‌ها را در اختیار دانشجویان قرارداد. پیش از

توزیع پرسش‌نامه‌ها، برای جلب همکاری دانشجویان، ابتدا توضیحات لازم در مورد هدف و اهمیت پژوهش به آن‌ها داده و از آن‌ها خواسته شد به تمام سؤالات پرسش‌نامه‌ها به‌دقت پاسخ دهند. برای پژوهشگر، نکته‌ی مهم در اجرای پرسش‌نامه‌ها، کسب رضایت آگاهانه از آزمودنی‌ها بود. بنابراین، برای رعایت اخلاق پژوهش و کسب رضایت آگاهانه از آزمودنی‌ها، برای آن‌ها توضیح داده شد که پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه‌ها کاملاً اختیاری و داوطلبانه است و تمام اطلاعاتی که از شرکت‌کنندگان در این پژوهش کسب می‌شود، کاملاً محفوظ و محرمانه خواهد ماند و هیچ نام یا مشخصه‌ای که هویت شرکت‌کنندگان را افشاکند، در این اطلاعات وجود نخواهد داشت. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و به‌روش تحلیل واریانس چندمتغیری انجام‌گردید.

یافته‌ها

پیش از ارائه‌ی یافته‌های پژوهش، لازم به ذکر است که از بین ۱۵۰ پرسش‌نامه‌ی جمع‌آوری‌شده، ۱۰ پرسش‌نامه به‌دلیل مخدوش بودن، حذف‌گردیده و تعداد پرسش‌نامه‌هایی که مورد تجزیه و تحلیل آماری قرارگرفت، ۱۴۰ مورد بود. لذا، نرخ تکمیل (responserate) در این پژوهش ۹۳/۳۳ درصد می‌باشد که از جهت مناسبت مقدار نمونه با توجه به نوع تحقیق و وقت‌گیر بودن اجرای پرسش‌نامه‌ها، عدد مناسبی است. در جدول ۱، اطلاعات جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها ارائه‌شده است. میانگین سنی این آزمودنی‌ها، $22/43 \pm 3/26$ سال می‌باشد.

در جدول ۲ میانگین و انحراف معیار نمرات آزمودنی‌های دو گروه فردگرا و جمع‌گرا در خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه SCL-90 ارائه شده است. به‌منظور مقایسه‌ی تفاوت نمرات آزمودنی‌های دو گروه فردگرا و جمع‌گرا در پرسش‌نامه‌ی SCL-90 از

آزمون تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد. نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیری نشان داد بین دو گروه از جهت متغیر وابسته‌ی جدیدی که از ترکیب مؤلفه‌های پرسش‌نامه‌ی SCL-90 ایجادشده ($F(9,130)=3/62, p<0/01$)، تفاوت معناداری وجود دارد.

همچنین جهت مقایسه دو گروه در هر یک از خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه‌ی SCL-90 به‌عنوان یک متغیر وابسته، آزمون‌های اثر بین آزمودنی‌ها در متن آزمون تحلیل واریانس چند متغیری انجام شد که نتایج آن‌ها در جدول ۳ نشان‌داد که در حساسیت در روابط متقابل ($p<0/05$)، پرخاشگری ($p<0/01$) و افکار پارانویید ($p<0/01$)، دو گروه با هم تفاوت معنادار دارند، به‌گونه‌ای که افراد فردگرا نسبت به افراد جمع‌گرا، در سه مؤلفه‌ی مذکور به‌طور معنادار نمرات بیشتری کسب نموده‌اند. باوجوداین، از جهت سایر مؤلفه‌ها بین دو گروه تفاوت معناداری مشاهده‌نشد ($p>0/05$).

نتایج تحقیق حاضر نشان‌داد که افراد فردگرا و جمع‌گرا در سه بعد حساسیت در روابط متقابل، پرخاشگری و افکار پارانویید با هم تفاوت معنادار دارند، به‌گونه‌ای که افراد فردگرا نسبت به افراد جمع‌گرا در سه

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی دانشجویان (N=140)

متغیرها	فراوانی	درصد
ادبیات	۲۴	۱۷/۱
الهیات	۱۱	۷/۹
تربیت بدنی	۳	۲/۱
علوم پایه	۱۱	۷/۹
علوم تربیتی	۱۴	۱۰
علوم اداری	۱۷	۱۲/۱
کشاورزی	۱۵	۱۰/۷
منابع طبیعی	۴	۲/۹
مهندسی	۳۶	۲۵/۷
علوم ریاضی	۵	۳/۶
جنسیت		
دختر	۱۰۷	۷۶/۴
پسر	۳۳	۲۳/۶
وضعیت تأهل		
مجرد	۱۱۵	۸۲/۱
متأهل	۲۵	۱۷/۹

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار نمرات آزمودنی‌ها در خرده مقیاس‌های پرسشنامه SCL-90

متغیر	گروه فرد گرا		گروه جمع گرا	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
شکایت جسمانی	۹/۷۵	۷/۷۳	۱۰/۵۴	۸
وسواس و اجبار	۱۰/۰۹	۶/۶۰	۱۰/۱۵	۷/۱۴
حساسیت در روابط متقابل	۱۰/۰۳	۶/۲۳	۷/۵۰	۶/۱۷
افسردگی	۱۴/۲۲	۱۱/۱۱	۱۴/۴۳	۱۱/۰۸
اضطراب	۸/۹۶	۵/۹۶	۷/۹۳	۷/۲۰
پرخاشگری	۶/۴۳	۴/۶۶	۴/۴۵	۳/۸۷
ترس مرضی	۴/۵۶	۴/۰۶	۴/۶۷	۴/۶۹
افکار پارانویید	۸/۶۰	۵/۰۵	۶/۳۲	۴/۸۷
روان پریشی	۷/۶۷	۶/۳۹	۷/۷۰	۶/۳۷

جدول ۳: نتایج آزمون‌های اثر بین آزمودنی‌ها جهت مقایسه عملکرد آزمودنی‌های دو گروه در هر یک از خرده مقیاس‌های پرسشنامه SCL 90

متغیر	منبع تغییرات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	F	سطح معناداری
شکایت جسمانی	گروه	۲۲/۰۶	۱	۲۲/۰۶	۰/۳۵	۰/۵۵
	خطا	۸۵۲۰/۱۰	۱۳۸	۶۱/۷۴		
وسواس و اجبار	گروه	۰/۱۴	۱	۰/۱۴	۰/۰۰۳	۰/۹۵
	خطا	۶۴۸۴/۷۹	۱۳۸	۴۶/۹۹		
حساسیت در روابط متقابل	گروه	۲۲۴/۰۵	۱	۲۲۴/۰۵	۵/۸۰	۰/۰۱
	خطا	۵۳۲۲/۸۸	۱۳۸	۳۸/۵۷		
افسردگی	گروه	۱/۵۸	۱	۱/۵۸	۰/۰۱	۰/۹۱
	خطا	۱۷۰۱۶/۹۴	۱۳۸	۱۲۳/۳۱		
اضطراب	گروه	۳۶/۳۶	۱	۳۶/۳۶	۰/۸۴	۰/۳۶
	خطا	۵۹۴۴/۶۳	۱۳۸	۴۳/۰۷		
پرخاشگری	گروه	۱۳۶/۳۵	۱	۱۳۶/۳۵	۷/۲۹	۰/۰۰۸
	خطا	۲۵۸۰/۵۳	۱۳۸	۱۸/۶۹		
ترس	گروه	۰/۳۹	۱	۰/۳۹	۰/۰۲	۰/۸۸
	خطا	۲۶۲۸/۷۸	۱۳۸	۱۹/۰۴		
افکار پارانویید	گروه	۱۸۰/۱۵	۱	۱۸۰/۱۵	۷/۲۸	۰/۰۰۸
	خطا	۳۴۱۲/۲۶	۱۳۸	۲۴/۷۲		
روان پریشی	گروه	۰/۰۳	۱	۰/۰۳	۰/۰۰۱	۰/۹۷
	خطا	۵۶۲۶/۱۳	۱۳۸	۴۰/۷۶		

ویژگی‌های شخصیتی و فرهنگی را که فرد در آن زندگی می‌کند، عامل ناسازگاری و کاهش سلامت روانی مطرح نموده‌اند. تریاندیس و گلغند (۲۸) نیز اذعان می‌کنند فردگرایی و جمع‌گرایی در ارتقای سلامت روان‌شناختی و بهزیستی روانی، مزایا و معایب خاص خود دارند. طبق فرضیه‌ی تلافی شخصیت و فرهنگ، در تحقیق هریس و آیس (۲۹) نیز صفات شخصیتی آسیب‌شناختی بیشتر در افراد دیگرگرایی که در فرهنگ فردگرا و افراد خودگرایی که در فرهنگ جمع‌گرا زندگی می‌کنند، وجود دارد. در تبیین افزایش نمره‌ی افراد فردگرا در بعد

مؤلفه مذکور به‌طور معنادار نمرات بیشتری کسب نموده‌اند. باوجوداین، از جهت سایر مؤلفه‌ها بین دو گروه تفاوت معناداری مشاهده نشد.

نتایج تحقیق حاضر با دیدگاه "تناسب شخص-محیط" تریاندیس (۱۵) هماهنگی دارد. براساس این دیدگاه، داشتن شخصیتی که با ارزش‌های فرهنگ حاکم هماهنگ باشد، بهزیستی ذهنی را افزایش خواهد داد. در مقابل، عدم هماهنگی باعث کاهش بهزیستی خواهد شد. این نتایج، همچنین با مطالعه واش (۱۶)، وارد و چانگ (۱۷) و اشمیتز (۲۷) همسواست که تناسب ضعیف بین

حساسیت در روابط متقابل، باید بیان داشت که این بعد به احساس عدم کفایت و حقارت فرد به‌خصوص در مقایسه با دیگران تکیه دارد. دست کم گرفتن خود، احساس عدم آرامش و ناراحتی محسوس در جریان ارتباط با دیگران از تظاهرات خاص این بعد هستند. مشاهده‌شده افرادی که نمرات آن‌ها در این بعد بالا است در ارتباط با دیگران بیش از اندازه آگاه بوده و از خود انتظارات منفی دارند (۱۰). مطالعه در خصوص ابعاد فردگرایی و جمع‌گرایی نشان‌دهنده که نگرانی در مورد خود و حفظ خودمختاری، یکی از ویژگی‌های افراد فردگراست (۱۰) و نکته‌ی دیگر این‌که فردگرایی افراطی با نگرانی در مورد خود همراه است (۳۰). با توجه به این‌که تعارض و تباین ویژگی‌های شخصیتی با فرهنگ، سبب ساز بروز مشکلات روان-شناختی است، در اینجا به‌نظر می‌رسد که این تعارض، حساسیت و نگرانی افراد فردگرا نسبت به خود را تشدید ساخته است؛ یعنی خویشتن آن‌ها، محور توجه و نگرانی آن‌ها شده است. همسو با مطالعه اشمیتز (۲۷) و وارد و چانگ (۱۷) افراد دیگرگرا در فرهنگ‌های جمع‌گرا درباره‌ی پذیرش هنجارهای گروه خودی احساس خوبی دارند. در مقابل، اشخاص خودگرا در فرهنگ‌های جمع-گرا، احساس دوسوگرایی دارند و حتی از پذیرش هنجارهای گروه خودی بیزار هستند. آن‌ها نمی‌دانند که این هنجار لازم است یا هنجار دیگری و یا نمی‌دانند که باید از آن‌ها تبعیت کنند یا نه. گاهی اوقات ممکن است فردگرایی به‌عنوان یک واکنش دفاعی در برابر بی‌کفایتی خود رخ دهد (۳۱). بنابراین، از قبل بی‌کفایتی و نگرانی در خصوص خود وجود دارد و فرد خود را لایق پذیرش از طرف دیگران نمی‌داند و نگران این است که دیگران متوجه بی‌کفایتی او شوند و به همین خاطر از آن‌ها دوری می‌کند و کناره‌گیری او ممکن است خود را به‌صورت فردگرایی نشان داده باشد. این نوع فردگرایی، یک فردگرایی دفاعی است که برای محافظت از خود در برابر آسیب‌های احتمالی در روابط بین فردی به‌کار می‌رود و

به‌عبارتی بیشتر نوعی انزواست که به‌عنوان یکی از معایب و خطرات فردگرایی در نظر گرفته شده است. در خصوص بیشتر بودن نمره‌ی بعد پرخاشگری در افراد فردگرا نیز تحقیقات گذشته نشان‌دهنده‌ی خودگرایی با افزایش نمره در مقیاس‌های بالینی، با اختلال شخصیت ضد اجتماعی، خودشیفتگی و تکانش‌گری همراه است. کوک (۳۲) و هورگان (۳۳)، طرفدار این فرضیه هستند که فردگرایی با اختلالات کنترل تکانه همراه است. تحقیق هریس و آیس (۲۹) که در آن فرضیه‌ی تلاقی فرهنگ و شخصیت در فرهنگ‌های فردگرای آمریکا و جمع‌گرای ترکیه آزمون شد، نشان‌دهنده‌ی فردگرایی با اختلال کنترل تکانه همراه است، البته در جامعه‌ی جمع‌گرای ترکیه و نه در جامعه‌ی فردگرای آمریکا. یکی از تبیین‌های احتمالی این است که افراد فردگرا طوری پرورش می‌یابند که پیگیر حقوق خود باشند و این ممکن است حساسیت آن‌ها نسبت به حقوق دیگران را کاهش دهد و نتوانند با افراد دیگر به اندازه‌ی کافی همدلی کنند. مسأله‌ای که محور اختلال ضد اجتماعی و خودشیفته نیز می‌باشد. احتمال دیگر این است که این رقابت‌جویی و توجه به خود در یک جامعه‌ی جمع‌گرا مورد پذیرش نیست و ممکن است باعث انجام رفتارهای غیرعادلانه نسبت به این افراد شود و این افراد را مجبور سازد که با پرخاشگری از حقوق خود دفاع کنند و به‌خاطر بی‌عدالتی ادراک شده، احساس خشم کنند. احتمال سومی نیز مطرح است که علاوه بر این نتیجه، می‌تواند بیشتر بودن افکار پارانویید در افراد فردگرا در این تحقیق را تبیین کند و آن این است که داشتن شخصیتی که با ارزش‌های اجتماعی متباین باشد، خود یک عامل فشارزای روانی است. کودکانی که رقابت‌جو، خودمتکی و از دیگران کناره‌گیر هستند ممکن است در جوامع فردگرا مورد تشویق قرارگیرند که این امر، منجر به تحول سالم آن‌ها تا بزرگسالی می‌شود. اما در یک جامعه‌ی جمع‌گرا، یک کودک رقابتی، خودمتکی و کناره‌گیر در برقراری

فرهنگی جامعه‌ی ایران که از نوع جمع‌گرایی می‌باشد، توجهی ویژه داشته‌باشند. به عبارتی عمده‌ی پروتکل‌های درمانی و مداخلاتی که امروزه در کشور ما به‌کارگرفته می‌شود، برگرفته از فرهنگ فردگرایی غربی بوده و نتایج این مطالعه ضرورت متناسب سازی این مداخلات و پروتکل‌ها را با فرهنگ ایرانی نشان می‌دهد.

همچنین این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بود: از جمله این محدودیت‌ها، عدم توجه به جنسیت در انتخاب اعضای نمونه بود. در واقع انتخاب نمونه در این پژوهش بر حسب دانشکده بود و در نتیجه از بین ۱۴۰ دانشجویی که از دانشکده‌های مختلف انتخاب شده بودند، تعداد دختران تقریباً سه برابر پسران بود. لذا پیشنهاد می‌گردد در مطالعات آتی در فرایند نمونه‌گیری به عامل جنسیت نیز توجه شود. دیگر محدودیت پژوهش حاضر، مربوط به جامعه‌ی آماری پژوهش می‌باشد. جامعه‌ی آماری این پژوهش دانشگاه فردوسی مشهد بوده است. لذا نمی‌توان نتایج آنرا به کل جامعه‌ی ایرانی تعمیم داد. بنابراین پیشنهاد می‌شود مطالعات مشابه‌ای در دیگر دانشگاه‌ها و نیز جوامع غیردانشگاهی صورت گیرد.

تشکر و قدردانی

از کلیه‌ی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه فردوسی مشهد که در اجرای این پژوهش مشارکت داشته‌اند، کمال قدردانی را می‌نمایم.

روابط فرهنگی مناسب با دیگران شکست می‌خورد که خود، باعث طرد از طرف همسالان و برخورد شدید بزرگسالان می‌شود. طرد همسالان، یک عامل خطر جدی برای تحول مشکلات روان‌شناختی است (۲۹). از جمله پیامدهای طرد شدن از سوی همسالان، می‌تواند تقویت افکار پارانوییدی در فرد باشد. بعد افکار پارانوییدی در مقیاس SCL-90 شامل سوءظن، خودمحوری و ترس از دست دادن خودمختاری و هذیان و پرخاشگری می‌باشد. افراد فردگرا در فرهنگ جمع‌گرایی چون فرهنگ ایران، خود را متفاوت می‌بینند و بعضاً از طرف فرهنگ کلی حاکم که در همسالان آن‌ها آشکار است، مورد تهدید قرار می‌گیرند و این افراد، دائماً نگران این هستند که از آن‌ها خواسته شود که با جمع هماهنگ باشند. همین امر سبب می‌شود که خودمختاری آن‌ها تهدید شود که این امر، می‌تواند علاوه بر تقویت افکار بدبینانه، باعث پرخاشگری در آن‌ها نیز شود و چه بسا این مسأله، افراد فردگرا در جوامع جمع‌گرا را تحریک به ترک آن فرهنگ کند تا از این طریق، احساس آرامش بیشتری داشته باشند.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش تاییدکننده‌ی فرضیه‌ی تناسب شخص- محیط می‌باشد. براساس نتایج این مطالعه، افراد فردگرا در فرهنگ جمع‌گرای ایران با مشکلات روان‌شناختی بیشتری مواجه می‌باشند. لذا نتایج این پژوهش، پیشنهادهایی را برای متخصصان سلامت روان و درمانگران خواهد داشت و آن این‌که در اتخاذ تصمیمات درمانی و نوع مداخلات روان‌شناختی، به بافت

References

1. Matsumoto D, Hwang HS. Culture and Emotion The Integration of Biological and Cultural Contributions. *Cross-cultural psychology*; 2012. 43(1): 91-118.
2. Mesquita B, Frijda NH, Scherer KR. Culture and emotion. In: In J. W. Berry PRD, & T. S. Saraswathi, editor. *Handbook of cross-cultural psychology: Needham Heights, MA: Allyn & Bacon. 1997: 255-97.*
3. Lopez SR, Guarnacia PJ. Cultural psychology: uncovering the social world of mental illness. *Annu Rev Psychol*. 2000; 51:571-98.
4. Kleinman A, Cohen A. Psychiatry's global challenge. *Mind & Brain*. 1997;276:74-7.
5. Lopez SR, Guarnaccia PJ. cultural psychopathology: Uncovering the Social World of Mental Illness. *Annu Rev Psychol*. 2000;51:571-98.
6. Hofstede G. *Cultures and Organizations: Software of the Mind*. London: McGraw-Hill; 1991.
7. Hofstede G. *Culture's Consequences: Comparing Values, Behaviors, Institutions, and Organizations across Nations*. 2 ed: Thousand Oaks, CA: Sage.; 2001.
8. Triandis HC. Individualism & collectivism. In: Hsu FLK, editor. *Rugged individualism reconsidered:*

- Westview Press 1995: 143–62.
9. Triandis CH, Bontempo R, Villareal MJ, Asai M, Lucca N. Individualism and collectivism: Cross-cultural perspective on self-ingroup relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*. 1988;54:323-38.
 10. Triandis HC. Individualism and collectivism: Past, present and future. In: Matsumoto ID, editor. *The handbook of culture and psychology*. New York: Oxford University Press; 2001:35–50.
 11. Triandis HC, Trafimow D. Cross-national prevalence of collectivism. In C. Sedikides & M. B. Brewer (Eds.), *Individual self, relational self, collective self* (pp. 259–276). Philadelphia, PA: Psychology Press.
 12. Triandis HC, Trafimow D. Cross-national prevalence of collectivism. In C. Sedikides & M. B. Brewer (Eds.), *Individual self, relational self, collective self*. Philadelphia, PA: Psychology Press; 2001:259-76.
 13. Shafiro MV, Himelein MJ, Best DL. Ukrainian and U.S. American females: Differences in individualism/collectivism and gender attitudes. *Journal of Cross-cultural Psychology*. 2003; 34(3): 297–303.
 14. Schimmack U, Radhakrishnan P, Oishi S, Dzokoto V, Ahadi S. Culture, Personality, and Subjective Well-Being: Integrating Process Models of Life Satisfaction. *J Pers Soc Psychol*. 2002; 82(4): 582–93.
 15. Oishi S. Goals as cornerstones of subjective well-being: Linking individuals with cultures. In E. F. Diener & E. M. Suh (Eds.), *Subjective well-being across cultures*. Cambridge, MA: MIT Press; 2000: 87-112.
 16. Triandis HC. Cultural syndromes and subjective well-being. In: Suh EFDEM, editor. *Subjective well-being across cultures*. Cambridge: MA: MIT Press.; 2000: 87–112.
 17. Wachs TD. Necessary but not sufficient: The respective roles of single and multiple influences on individual development. Washington: DC: American Psychological Association; 2000.
 18. Ward C, Chang WC. Cultural fit': A new perspective on personality and sojourner adjustment. *International Journal of Intercultural Relations*. 1997; 21(4): 525–33.
 19. Hofstede, Geert. *Culture's Consequences: International Differences in Work-Related Values*. Administrative Science Quarterly (Johnson Graduate School of Management, Cornell University): 1983; 28 (4): 625–9.
 20. Oyserman D, Coon HM, Klemmner M. Rethinking individualism and collectivism: Evaluation of theoretical assumptions and metaanalyses. *Psychol Bull*. 2002; 128(1): 3–72.
 21. Tamadonfar M. Islam, law, and political control in contemporary Iran. *Journal for the Scientific Study of Religion*. 2001; 40(2): 205–20.
 22. Triandis HC, Leung K, Villareal MJ, Clack FL. Allocentric versus idiocentric tendencies: Convergent and discriminant validation. *Journal of Research in Personality*. 1985;19(4):395–415.
 23. Asadi M, Etesami F, Knight KH, Alfnbayn MH. The relationship between individualism and collectivism and independent knowledge of the student and the American way. *Cognitive Sciences News*. 2006; 8(1): 17-22.
 24. Nasehi-Behnam V. Change and the Iranian family. *Current Anthropology*. 1985;26(5): 557-62.
 25. Shekiba A, Bahrami F, KavehFarsani Z. Confirmatory factor structure and psychometric properties of individualism scale integration Oakland (AICS). *Knowledge and Research in Applied Psychology*. 2011;12 (3): 20-30.
 26. Holi M. Assessment of psychiatric symptoms using the SCL-90: Helsinki University; 2003.
 27. Anisi J, Akbari F, Majdian M, Atashkar M, Ghorbani Z. Standardization of mental disorders Symptoms Checklist 90 Revised (SCL-90 -R) in Army Staffs. *Journal of Military Psychology*. 2011; 2(5): 29-37.[Persian]
 28. Berry JW. Acculturation and psychological adaptation. In A.-M. Bouvy FJRvd, Vijver P, Boski P, Schmitz (Eds). *Journeys into cross-cultural psychology*. Lisse, the Netherlands: Swets & Zeitlinger. 1994: 129-41.
 29. Triandis HC, Gelfand MJ. Converging measurement of horizontal and vertical individualism and collectivism. *Journal of Personality and Social Psychology*. 1998; 74(1): 118–28.
 30. Caldwell-Harris CL, Aycicegi A. When Personality and Culture Clash: The Psychological Distress of Allocentrics in an Individualist Culture and Idiocentrics in a Collectivist Culture. *transcult Psychiatry*. 2006; 43(3): 331-61.
 31. Lasch C. *The Culture of narcissism: American life in an age of diminishing expectations*. New York: W W Norton & Company; 1991.
 32. Watson PJ, Morris RJ. Communal orientation and individualism: factors and correlations with values, social adjustment, and self-esteem. *J Psychol*. 1994; 128(3): 289–97.
 33. Cooke DJ. Psychopathic personality in different cultures: What do we know? What do we need to find out? *Journal of Personality Disorders*. 1996; 10(1):23–40.
 34. Horgan R. Theoretical egocentrism and the problem of compliance. *American Psychologist*. 1975; 30(5): 533–40.

Comparative of Mental status in individualistic/collectivistic students in Ferdowsi University of Mashhad

Fatemeh Mirdoraghi,

PhD student of Psychology, Faculty education and psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Mohamad Fathi,

PhD student of Psychology, Faculty education and psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Javad Salehi Fadardi

Department of Psychology, Faculty education and psychology, Ferdowsi University of Mashhad. Mashhad, Iran

Received:12/04/2014, Revised:07/06/2014, Accepted:10/06/2014

Corresponding Author:

Ferdowsi University of Mashhad,
Faculty education and psychology,
Department of Psychology,
FatemehMirdoraghi
E-mail:
Fatemeh.Mirdoraghi@gmail.com

Abstract

Background and Objective: Regarding to the “person–environment fit”, although, having a personality which matches the values of the overarching culture should increase subjective wellbeing, a mismatch will decrease it. This study compared the mental status in individualistic and collectivistic students in Iranian culture.

Materials and Methods: Used method in this study was descriptive and comparative. Among all undergraduate students at the Ferdowsi University of Mashhad in 91 - 92 school year, the number of 150 students were selected based on quota sampling and according to school and were evaluated with using Auckland Individualism and Collectivism Scale (AICS) and SCL_ 90 Questionnaire.

Findings: Results of multivariate analysis of variance showed that the two groups in terms of their overall performance in SCL_ 90 Questionnaire have significant difference. Also, results of Tests of Between-Subjects Effects showed that between two groups, there is a significant difference in Interpersonal sensitivity, Hostility and Paranoid ideation; such that individualistic students had higher scores on the three subscales.

Conclusion: The results in this study confirmed the “person–environment fit”. The Iranian culture that is recognized as one of collectivist cultures, Individualist students had more psychological problems; Whereas , collectivist Students had a better mental state.

Keywords: *mental status, individualism- collectivism*